

مهاجرت و تکدی در شهر تهران: چالش‌ها و الزامات سیاستی

سراج‌الدین محمودیانی^۱

چکیده

در مطالعه حاضر به بررسی وضعیت تکدی در شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن پرداخته شده است. این مقاله ابتدا به تحلیل اطلاعات موجود در این زمینه پرداخته و در ادامه با استفاده از انجام مصاحبه‌هایی با افراد متخصص تلاش شده است تا راهکارهایی برای مقابله با این پدیده در شهر تهران ارائه گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که متکدیان عموماً بصورت سازمان‌یافته عمل می‌کنند. بیشتر متکدیان غیر بومی/مهاجر بوده‌اند و حتی در شهر و محل سکونت خود ناتوان به‌شمار نمی‌آیند. حجم بالای جمعیت، سیال بودن جمعیت و ناهمگونی جمعیت شهر تهران از مهمترین عوامل مهاجرت به این شهر و شکل‌گیری انبوه متکدیان در این شهر است. یافته‌های منتج از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که زشتی فضای شهری، ایجاد مشکلات روانی برای عموم مردم در سطح جامعه و گسترش سایر آسیب‌های اجتماعی از مهمترین پیامدهای منفی پدیده تکدی است. در مجموع متخصصان بر آن باورند که بعد از جمع‌آوری متکدیان از سطح شهر می‌بایست در راستای توانمندسازی آنها اقدام شود و متناسب با وضعیت آنها عمل شود. فرهنگ‌سازی در سطح جامعه نیز می‌تواند در مواجهه با مسأله تکدی راه‌گشا باشد. بسیاری از متکدیان مهاجر را می‌توان به شهر یا روستا مبدأ مهاجرت خود برگرداند، تا در آنجا مورد حمایت نهادهای رسمی و غیر رسمی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: مسائل اجتماعی، تکدی، مهاجرت، تهران.

مقدمه و بیان مسأله

۱- دانش آموخته دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران serajmahmoudiani@gmail.com

همان‌طوری که گیلین^۱ (۱۹۲۹) گفته است، بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در جوامع اولیه انسانی وجود نداشته‌اند، بلکه مختص جوامع امروزی هستند. شاید بتوان گفت تکدی‌گری در شکلی که امروزه ما با آن روبرو هستیم از آن نوع آسیب‌هایی است که در جوامع اولیه وجود نداشته است. مسأله تکدی‌گری پدیده‌ای جهانی است اما در کشورهای در حال توسعه بارزتر است. تفاوت اصلی تکدی در این دو دسته کشور، در شیوه تکدی‌گری است. در کشورهای توسعه یافته فرد متکدی از طریق هنرها و مهارت‌های پول بدست می‌آورد، اما در کشورهای در حال توسعه بیشتر بر اساس همدردی جامعه پول کسب می‌کنند (خان^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). تکدی‌گری بعنوان یک آسیب اجتماعی حاصل ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه و زائیده فقر و نابرابری‌های اجتماعی است. گدایی محصول نابسامانی اجتماعی است (اسماعیلی، ۱۳۹۱). تکدی‌گری یکی از معضلات شهرهای بزرگ است و یکی از بارزترین محرومیت‌ها و در عین حال وجود آشکارترین موانع ساختاری در دسترسی به منابع مهم هویتی و معنا بخشی به زندگی مانند بازار کار، آموزش و فراگیری مهارت‌ها، و فراغت مبتنی بر مصرف را نمایان می‌کند که هنوز هم در جوامع مدرن به زندگی خود ادامه می‌دهد و از سویی در میان رفتارهای سوء اجتماعی جزء مواردی است که حداقل در ظاهر در مقایسه با سایر آسیب‌های اجتماعی شیوع بیشتری دارد و هر شهروند هر روزه در سطح شهر با آن روبرو می‌گردد (مهربانی، ۱۳۹۱؛ شکوری و معتمدی، ۱۳۹۱). تکدی را می‌توان تحت عنوان "دست دراز کردن" برای کسب درآمد تعریف کرد. تکدی فراگردی است که به موجب آن فرد متکدی از دسترنج دیگران بهره‌مند می‌شود و زندگی می‌گذراند. در تعریفی دیگر هر یک از اعضای جامعه که صاحب یک حرفه در معنای اقتصادی آن نباشند و در تولید اجتماعی سهمی ندارند و به نوعی از نظر اجتماعی زاید هستند را متکدی می‌نامند. بنابراین تکدی‌گری دارای چهار ویژگی اصلی است: نخست؛ متکدی از مسولیت اجتماعی معاف است، دوم؛ متکدی بخاطر نیازمندی مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد، سوم؛ چنین افرادی انتظار دارند که دیگران به او کمک کنند، چهارم؛ در تولید اجتماعی مشارکت ندارند و از دسترنج دیگران زندگی خود را می‌گذرانند (ادهمی و همکاران، ۱۳۹۰). یکی از ضرورت‌های تبیین و برخورد صحیح و منطقی با پدیده تکدی‌گری، تفکیک انواع این پدیده و شیوه‌ها و اشکال مربوط به آن است. سیاستها و راهبردهای انتخابی سازمانهای ذی‌ربط بر سر مقابله با پدیده گدایی به تحلیل سرشت و انواع تکدی‌گری که جامعه با آن مواجه است، بستگی دارد. بطور معمول، کارشناسان مسائل

^۱- Gillin

^۲- Khan

اجتماعی بر طبق مشاهدات و نتایج به دست آمده به یک تقسیم بندی دوگانه از تکدی، یعنی تکدی آبرومندانه در کنار تکدی آشکار و غیر آبرومندانه پرداخته‌اند. الف) تکدی پنهان: که به طریق پنهان و آبرومندانه انجام می‌گیرد، مانند دراویش، دعانویسان و کولی‌ها.

ب) تکدی آشکار: کسانی که آشکارا و با استفاده از فنون و رموز روان‌شناسی ترحم مردم را به خود جلب و به شیوه‌ها و صور مختلف از دیگران تقاضای کمک می‌کنند. مهمترین شکل گدایی آشکار، تکدی «حرفه‌ای - تخصصی» است. گداهای حرفه‌ای افرادی هستند که از نظر مالی وضع خوبی دارند، ولی گدایی را یک «کار» در ردیف سایر شغلها مثل خرید و فروش و کارهای تولیدی به حساب می‌آورند. این گروه دارای تشکیلات مفصلی هستند که به صورت یک سازمان غیر رسمی اما زنده، فعالیت می‌کنند. در این تشکیلات همه چیز بر اساس توانایی شخص متکدی و ویژگیهای مکانی، جمعیتی، اقتصادی و... تقسیم می‌شود، لذا هر مکانی دارای ارزشهای مشخص و اهمیتی متفاوت از جاهای دیگر بوده و اصطلاحاً «سرقفلی» خاص خود را دارد. به نظر رابرت ازرا پارک برجسته‌ترین عضو مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو، در شهر هر شغلی حتی «شغل گدایی» گرایش دارد که خصوصیت یک حرفه را پیدا کند و نیز هر شغلی دارای نظم و قاعده‌ای است که هر که می‌خواهد در آن شغل موفق شود، ملزم به رعایت آن است. حاصل آن که گدایان حرفه‌ای به نیکی از فنون و رموز روانشناسی گدایی آگاهی کافی دارند، می‌دانند چگونه و در کجا گدایی کنند و چگونه ترحم مردمان را به خود جلب کنند. در جاهایی که گدایی گروهی و سازمان‌یافته وجود دارد، از طریق کارآموزی و تعلیم، گدایان خبره اطلاعات خود را به نورسیده‌ها انتقال می‌دهند و بدین ترتیب گدایی، حرفه‌ای تخصصی می‌شود (باقریان، ۱۳۷۵). از آنجا که تکدی‌گری به گونه‌ای ناتوانی ساختاری، فقر و نابرابری را با نوع خاصی ابراز نیاز و تأمین همراه می‌کند، ماهیتاً نوعی ننگ، شرمساری و مظاهر رفتاری نامقبول نه لزوماً غیر اخلاقی، را برای جامعه و بالاخص دست‌اندرکاران نمایان می‌کند، به همین سبب این پدیده یکی از دغدغه‌های سیاستی و تحقیقاتی سیاست‌گذاران و محققان را در بیشتر جوامع تشکیل می‌دهد. در ایران مسئله تکدی‌گری همانند سایر کشورها سابقه‌ای دیرین دارد. با توجه به مذموم بودن تکدی‌گری از نظر فرهنگی و غیر قانونی بودن آن، پیوسته از دغدغه‌های مقامات کشوری و محلی مانند شهرداری‌ها بوده است (شکوری و معتمدی، ۱۳۹۱). براساس گزارش‌های سازمان رفاه، خدمات اجتماعی و مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران، تکدی‌گری بعد از اعتیاد در رتبه دوم آسیب‌های مهم شهری قرار دارد. این رتبه‌بندی براساس رتبه‌بندی و اولویت‌گذاری آسیب‌های مهم شهری، توسط سازمان رفاه و

خدمات اجتماعی صورت گرفته است. اطلاعات آماری اقامتگاه‌های موقت نشان می‌دهد که تعداد متکدیان در سیر زمانی روند صعودی داشته است که این موضوع اهمیت بررسی این پدیده را نشان می‌دهد (سیاست روز، سوم تیر ماه ۱۳۹۳). در این مطالعه سعی می‌شود ضمن بررسی بحث نظری درباره تکدی‌گری و شناخت روند تکدی‌گری در سال‌های اخیر، به ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش این پدیده در شهر تهران پرداخته شود.

نظریات جامعه‌شناختی

برخلاف رویکردهای فردگرایانه زیست‌شناختی و روانشناختی، جامعه‌شناسان اغلب رفتار انحرافی را خارج از ویژگیهای فردی دیده و بر زمینه‌های گروهی متمرکز شده‌اند. جامعه‌شناسان معتقدند که میزان قابل توجهی از جرم و جنایت و رفتار انحرافی ماهیت اجتماعی داشته و به نهادها و سازمانهای اجتماعی وابسته بوده و می‌بایست با رویکرد جامعه‌شناختی تبیین شوند (احمدی، ۱۳۷۷: ۳۳). دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، توجه خود را به ساختارها، نهادها، فرآیندها و عوامل اجتماعی موثر بر رفتار بشری متمرکز می‌کنند و هر کدام از آنها روی یک مقوله تاکید و تمرکز کرده‌اند. رویکردها، بینش‌ها و روش‌های متفاوتی برای مطالعه مسائل و انحرافات اجتماعی وجود دارد و طبقه‌بندی‌های چندی از آنها ارائه داده‌اند. بعضی این دیدگاهها را به طور کلی به دو دسته اثبات‌گرا و استنباط‌گرا تقسیم می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۳). طبقه‌بندی مشابه دیگری این تئوریها را به رویکرد ۱- ساختی کارکردی ۲- پدیدار شناختی و کنش متقابل نمادی ۳- تضاد، تقسیم می‌کند. تئوریهای کارکردگرایی ساختاری، روی نهادهایی مانند خانواده و مدرسه که به اجتماعی کردن افراد به منظور هم‌نوا کردن رفتار آنها با ارزشهای اصلی جامعه می‌پردازد، تمرکز می‌کند. نظریات یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، فرصتهای متفاوت، خرده فرهنگی و آنومی که زیر مجموعه این رویکرد می‌باشند، به این سوالات به شیوه‌های متفاوت پاسخ می‌دهند (هاگان، ۱۹۹۴، ۳۲). از نظر تعامل‌گرایان، کجرو یا منحرف به کسی اطلاق می‌شود که از جانب سایر افراد جامعه مورد مواخذه قرار گرفته باشد و کجروی شامل کنشهای نابهنجار افراد می‌باشد. تعامل‌گرایان، چگونگی و عللی که اشخاص و گروه‌ها منحرف دانسته می‌شوند را مورد بررسی قرار می‌هند (گیونز، ۱۹۹۲: ۱۷۱). به نظر هاگان، تئوریهای کنش متقابل نمادین رفتار انحرافی، به طور موشکافانه‌ای به قضایا می‌پردازند و بجای تاکید بر ارزشها،

^۱ Hagan

^۲ Givvons

بر تاکید بر معناها و تعاریف برای تبیین رفتار انحرافی تغییر جهت داده‌اند (هاگان، ۱۹۹۴: ۴۰). در تئوریهای تضاد که به نوعی با نظریه‌های برچسب زنی ارتباط دارد، اغلب روی نقش گروههای اجتماعی مسلط در تحمیل برچسبهای قانونی بر اعضای گروههای اجتماعی حاشیه‌ای تمرکز می‌کنند و نابرابری و ظلم به عنوان علل بزهکاری قلمداد می‌شود (نیک‌اختر، ۱۳۷۸: ۴۶). با توجه به مسئله مورد بررسی (تکدی‌گری) سعی بر آن است که نظریاتی که تبیین‌کننده این موضوع در بستر فرهنگی و اجتماعی شهر تهران است، مورد بررسی قرار گیرند. همچنین با توجه به مباحث مطرح شده از لحاظ نظری اینطور به نظر می‌رسد که رویکرد ساختی کارکردی (بی‌سازمانی اجتماعی، یادگیری اجتماعی و خرده فرهنگی) توان تبیین‌کنندگی بیشتری برای بررسی موضوع تکدی‌گری در بافت فرهنگی-اجتماعی شهر تهران داشته باشند، که ادامه بحث به آنها پرداخته شده است.

نظریه آنومی دورکیم^۱

دورکیم مفهوم آنومی را به شرایط اجتماعی بی‌هنجاری یا بی‌سازمانی اجتماعی ارجاع داد. از نظر دورکیم جامعه آنومیک یا بی‌سازمان، جامعه‌ای است که مجموعه‌ای از هنجارها و ارزشهای متضاد با یکدیگر را در خود داشته و فاقد خطوط راهنمای روشن و پایداری برای مردم به منظور یادگیری و درونی کردن هنجارهاست. دورکیم با بررسی مقوله همبستگی آن را با انحرافات و مسائل اجتماعی مانند خودکشی مرتبط می‌سازد. به نظر دورکیم دو متغیر عمده در فهم سازگاری و کجروی نقش عمده دارند: ۱- درجه اتصال گروهی ۲- درجه ارزش و انطباق دستوری. بنابراین، افراط و تفریط در اتصال و انطباق (تنظیم)، علت اشکال متفاوت کجروی در یک نظام خواهد بود (ترنر، ۱۳۷۰: ۴۰۴-۴۰۳). دورکیم معتقد بود که کج رفتاری در جامعه مدرن در ارتباط با تقسیم کار قرار دارد، اگر جامعه‌ای تقسیم کار نرمال داشته باشد، یعنی همه افراد در شرایط مساوی بتوانند استعدادهای خود را پرورش دهند و شغلی متناسب با آن به دست بیاورند، ارقام کج رفتاری کاهش می‌یابد (دورکیم، ۱۹۶۴: ۳۱۹). دلالت نظری نظریه‌ی آنومی دورکیم در ارتباط با تکدی‌گری، این است که به دلیل تقسیم کار نامتناسب و در نتیجه آنومی اجتماعی منشعب از آن تکدگری بروز می‌کند، که خود این تکدی‌گری نیز سوپاپ اطمینانی برای جامعه است و نشان دهنده‌ی کج کارکردی نظام اجتماعی است.

^۱- Durkheim

نظریه آنومی مرتن^۱

به عقیده مرتن، تضاد میان اهداف فرهنگی مانند پول، قدرت و مقام و ابزارهای نهادی شده قانونی برای بدست آوردن و رسیدن به اهداف، منبع اولیه آنومی است. مرتن مفهوم آنومی را در مورد تمامی رفتارهای انحرافی به کار می‌برد (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۱). مرتن برای نشان دادن وضعیت ارتباطی بین اهداف و وسایل، تیپولوژی حالات گوناگون انطباقی و رابطه فرد با «هدف‌های زندگی» و «وسایل نهادی شده» را در پنج وضعیت به شرح زیر مطرح نموده است: ۱. هم‌نوایی؛ پذیرش اهداف و وسایل ۲. بدعت و نوآوری؛ پذیرش اهداف و رد وسایل ۳. سنت‌گرایی یا عادت-گرایی؛ پذیرش وسایل و رد اهداف ۴. عقب‌نشینی- انزواطلبی؛ رد اهداف و وسایل ۵. طغیان؛ جان‌شنینی اهداف و وسایل (محسن تبریزی، ۱۳۸۳). پدیده تکدی‌گری در قالب مقوله چهارم از طبقه بندی مرتن قابل تبیین است.

کنش اجتماعی و آنومی پارسونز

پارسونز با تاکید بر دو خرده‌نظام اجتماع و شخصیت که تامین کننده تعادل نظام هستند، به تحلیل موضوع کجروی در بعد خرد می‌پردازد و بیان می‌کند که: ۱. نظام، عمل اجتماعی را در صورتی قابل تحقق می‌داند که نقش‌ها در افراد درونی شود و ۲. دو مفهوم کجروی و هم‌نوایی را به عنوان رفتارهایی معرفی می‌کند که در بستر کنش متقابل اجتماعی و با تکیه بر مفهوم نقش اجتماعی و انتظارات مربوط به آن رشد و معنا می‌یابند و ۳. جایگاهی خاصی را به گزینش عقلانی فرد و تعریف او از موقعیت اختصاص می‌دهد. پارسونز کجروی را پدیده‌ای ناشی از فقدان سازماندهی می‌داند و مدعی می‌شود که این وضعیت امکان همبستگی کامل همه‌ی اجزای یک نظام را با حرکت کلی و فراگیر آن از بین می‌برد و برخی از این اجزاء را به نوعی همبستگی ناقص با نظم اجتماعی تضعیف شده موجود وادار می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۶۱). دلالت نظری تکدی‌گری در دیدگاه پارسونزی نتیجه همبستگی ناقص فرد با جامعه و درونی نکردن ارزشهای فرهنگی جامعه است.

نظریه بوم‌شناختی پارک و برگس^۲

بر اساس نظریه برگس، جامعه صنعتی کلان شهر از ۵ منطقه سکونتگاهی به شکل دوایر متحدالمرکز از مرکز به پیرامون ۱. منطقه تجاری- مرکز ۲. منطقه انتقالی ۳. منطقه سکونتگاهی

^۱-Merton

^۲-Park and Burgess

کارگران ۴. منطقه سکونتگاهی طبقه متوسط ۵. منطقه با کمترین جرم تقسیم شده است. برگس معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون: سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۱) بنابراین می‌توان گفت که براساس نظر برگس گدایان عموماً در منطقه انتقالی جوامع قرار دارند و متاثر و تولید شده ویژگیهای این مناطق هستند.

پسران بزهکار کوهن^۱

بنابر نظر کوهن هنگامی که برای برخی از افراد وسایل همسازی با محیط بر اساس معیارهای پذیرفته شده اجتماعی کافی نباشد، این افراد به نفی جنبه‌هایی از فرهنگ جامعه که مشکلات همسازی با محیط را برای آنان فراهم نموده‌اند پرداخته و خرده فرهنگ‌هایی را که زندگی را برایشان آسانتر می‌سازد، جایگزین این جنبه‌های نفی شده فرهنگ جامعه می‌کند. فرض اصلی کوهن بر این است که افراد منحرف و بزهکار، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی و فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند، ولی به علت شکست یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی، دچار محرومیت شده‌اند و لذا آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگر، برای بدست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه پاره فرهنگ‌های بزهکاری بوجود می‌آید و بدین وسیله افراد تلاش می‌نمایند بر مشکلات خود فایز آیند. در واقع فرهنگ فرعی به وجود آمده در خلاف جهت قرار می‌گیرد و ارزشهای زیادی برای اعمال بزهکارانه همچون سرقت، ولگردی، فحشا و ... قائل می‌شوند (محسن تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۳). کوهن هم فرض مرتن در مورد شکاف اهداف و ابزار و ارتباط آن با کجرفتاری را پذیرفته است، اما مدعی است که این شکاف با دخالت متغیرهای فرصت‌های نامشروع افتراقی به کجروی می‌انجامد (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۳: ۱۶). تکدی‌گری در این رویکرد، نتیجه شکست و عدم فرصت کافی متکدیان در بدست آوردن موفقیت‌های مشروع در جامعه است که این عدم توفیق بصورت خرده‌فرهنگی فرعی، به متکدی امکان شکستن هنجارهای مرسوم جامعه اصلی را می‌دهد.

^۱-Cohen

نظریه خرده فرهنگ بزهکار میلر^۱

میلر نظر مرتن و کوهن را مردود می‌داند و در مقابل، انحراف طبقه پایین اجتماعی را صرفاً ناشی از خرده فرهنگ این طبقه می‌داند (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۶). میلر استدلال می‌کند که طبقه‌ی فرودست، فرهنگی جدا و بازشناختنی - متمایز از فرهنگ طبقه‌ی متوسط - داشته و سنتی به قدمت سنت فرهنگ طبقه‌ی متوسط دارد. میلر این فرهنگ طبقه‌ی فرودست را محیطی مولد برای بزهکاری باندها وصف می‌کند، زیرا بزهکاری باندها با برخی از شرایط اجتماعی که اساساً در نواحی فقیر نشین یافت می‌شود، میان‌کنش دارد (میلر، ۱۹۵۸: ۱۱) دلالت نظری مأخوذه از این نظریه درباره تکدی‌گری این است که متکدیان، تکدی‌گری خود را جرم قلمداد نمی‌کنند، بلکه صرفاً خرده‌فرهنگی مجزا از فرهنگ عام جامعه است و ارزش‌های خاصش را در درون خود پرورش می‌دهد.

نظریه فرصت‌های افتراقی

کلووارد و اهلین مدعی‌اند که فرض مرتن در مورد کمتر بودن فرصت‌های مشروع طبقات محروم برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی درست است، اما اینکه فرض کرده است که این افراد در مواجهه با نبود فرصت‌های مشروع به طور خودکار و موفقیت‌آمیزی کج‌رفتاری می‌کنند، درست نیست. چون اعضای طبقات فرودست پس از مواجهه با فرصت‌های مشروع افتراقی، با فرصت‌های نامشروع افتراقی هم مواجه می‌شوند (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۳: ۴۱). بنا بر نظر کلووارد و اهلین، انواع متفاوت فرصتها می‌تواند مجموعه انطباق‌های فرهنگی متفاوتی را به وجود آورد، که سه نوع از این انطباق‌ها برجسته هستند: خرده فرهنگ جنایی (عمدتاً به جنایت‌هایی مربوط می‌شوند که سودجویانه هستند و پاداش مالی در بردارند)، خرده فرهنگ ستیزه‌جو (در مناطقی به وجود می‌آید که در آنجا نوجوانان فرصت ناچیزی برای دسترسی به ساختارهای فرصت غیر قانونی در اختیار دارند) و خرده فرهنگ انزوا طلب (که قادر به کسب موفقیت از راه مشروع و نامشروع نیستند و به شکستی دچار می‌شوند که زاییده عدم دستیابی به اهداف و عدم موفقیت است). بسیاری از جرائم مانند اعتیاد، منحرفان جنسی و اخلاقی و همچنین تکدی‌گری در این مقوله سوم قرار می‌گیرند، که زاییده عدم موفقیت از راه مشروع و نامشروع است.

^۱- Miller

^۲- Rubington and Weingerg

نظریه خنثی‌سازی ماتزا^۱

ماتزا و سیکس با طرح تئوری خنثی‌سازی، ۵ نوع تکنیک خنثی‌سازی را در بین بزهکاران نام می‌برند که عبارت است از: ۱. انکار مسئولیت (مقصر دانستن شرایط بد زندگی گذشته‌شان) ۲. انکار قربانی (این ادعا که قربانی خودش باعث این کار شد) ۳. انکار صدمه و آسیب ۴. محکوم کردن قربانیان ۵. ارجاع دادن به افراد بالا دست (ذکر کردن وفاداری به دوستان یا خانواده به عنوان علت رفتار). به نظر ماتزا و سیکس، این تکنیکها برای عقلانی کردن علت رفتار انحرافی در بین جوانان با شرایط نامساعد، بدون توجه به موقعیت طبقاتی و سن است (هاگان، ۱۹۹۴: ۴۳). با توجه به این مقوله‌بندی پنج‌گانه می‌توان اینگونه استنباط کرد که انحراف تکدی‌گری در مقوله‌ی اول از این دسته‌بندی قرار می‌گیرد. به این شکل که فرد متکدی انحراف خود را به شرایط بد زندگی گذشته‌اش مربوط می‌داند و به این شکل از خود در برابر انحرافش انکار مسئولیت می‌کند.

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بیان می‌کند کسانی که به اجتماع خود همبستگی دارند، تمایل به تبعیت از مقررات آن دارند، در حالیکه کسانی که از اجتماع خود بریده‌اند، ممکن است تمایل به نقض آن مقررات داشته باشند (رابرتسون^۲، ۱۳۷۴: ۱۷۵). نظریه کنترل اجتماعی، هم‌نوایی را حاصل وجود پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه و اعمال کنترل از طرف جامعه بر افراد دانسته و ناهم‌نوایی را ناشی از گسستن پیوندهای شخص با نظم قراردادی جامعه می‌داند (صدیق، ۱۳۶۷: ۶۰). هیرشی معتقد است که اجزاء تعلق و وابستگی به جامعه شامل موارد ذیل می‌باشد: ۱. وابستگی: اگر فردی به هنجارهای اجتماعی و تمایلات و انتظارات دیگران اهمیت ندهد، در آن صورت پیوند او با جامعه ضعیف بوده و خود را آزاد می‌بیند که مرتکب انحراف شود ۲. التزام: تعهد به فعالیتهای متداول زندگی روزمره برای حفظ موقعیت خود، از ارتکاب به جرم جلوگیری می‌کند. ۳. مشغولیت: درگیری در امور روزمره وقت و انرژی زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌گردد، افراد بی‌کار و ولگرد وقت و انرژی بیشتری برای انحراف و کجروی دارند. ۴. اعتقاد: اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می‌شود و ضعف چنین اعتقادی، راه را برای کجروی هموار

^۱- Matza

^۲- Robertson

می‌کند (هیرشی، ۱۹۶۹: ۱۶) تکدی‌گری بر مبنای بعد اول یعنی وابستگی و بعد چهارم یعنی اعتقاد، از نظریه کنترل اجتماعی هیرشی قابل تبیین است. بدین صورت که افراد متکدی به علت بی‌تفاوتی نسبت به نظر دیگران و همچنین عدم اعتقاد و نداشتن احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران دست به انحراف می‌زنند.

نظریه همنشینی افتراقی

ساترلند اصطلاح همنشینی افتراقی را به عنوان تبیینی از رفتار انحرافی به کار برد. همنشینی افتراقی بر این پیش فرض بنا شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روش یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرا می‌گیرد. شخص به دلیل اینکه در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهند، بزهکار یا جنایتکار می‌شوند. بدیهی است که همه مردم با اینگونه تعاریف برخورد دارند. اما مساله اساسی میزان برخورد است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۹۵). در واقع به نظر هیرشی افراد در جریان تعامل اجتماعی همانگونه که رفتار بهنجار را یاد می‌گیرند، به همان شیوه نیز رفتار بزهکارانه و نابهنجار را یاد می‌گیرند. دلالت نظری نظریه همنشینی افتراقی ساترلند برای مسئله تکدی‌گری این است که فرد متکدی به دلایل میزان ارتباط بیشترش با افراد متکدی دیگر، این انحراف را مرتکب شده است و به آن ادامه می‌دهد. یا به عبارتی فرد متکدی در معرض تعاریف موافق تکدی‌گری بیشتری نسبت به تعاریف مخالف تکدی‌گری قرار گرفته است.

نظریه تقویت افتراقی

این نظریه بیش از هر چیزی مدعی است که شخص زمانی رفتار کجروانه را بر می‌گزیند که برای انجام چنین رفتاری در گذشته و در شرایط مشابه مورد تشویق قرار گرفته یا تنبیه نشده باشد، یا اینکه احتمال شکل‌گیری چنین واکنش‌هایی در آینده آن را رفتاری مطلوب جلوه داده باشد (اکبری، ۱۳۹۲: ۷۳). رابرت برگس و رونالد آگرس بر اساس نظریه تقویت در روانشناسی که می‌گوید، ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، نظریه ساترلند را مورد سوال قرار داده‌اند. به بیان دیگر این دو مدعی‌اند که صرف پیوند با کجروان کسی کجرو نمی‌شود. بلکه

۱ Hirschi

۲ Sutherland

همین افراد، کجرفتاری را در صورتی که نسبت به هم‌نوایی رضایت بخش‌تر باشد، به هم‌نوایی ترجیح خواهند داد. برگس و آگرز معتقدند که در میان تعداد عواملی که نیروهای تقویت‌کننده تولید می‌کنند، آن عاملی بیشترین احتمال وقوع را دارد که بیشترین تقویت‌کننده را به لحاظ مقدار و فراوانی و احتمال تولید کند (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۳: ۲۱).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر ضمن استفاده از مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و گزارش‌های علمی منتشر شده در زمینه تکدی‌گری، از مصاحبه عمیق با متخصصان، پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه تکدی‌گری استفاده و به سؤالات تحقیق جواب داده شد.

آمار متکدیان در شهر تهران

نتایج یک مطالعه با عنوان "دریوزگان: پژوهشی در شناخت تکدی در شهر تهران" نشان داده است که ۶۸٫۵ درصد از متکدیان دارای سرپناهی بوده‌اند که در آن زندگی خود را سپری می‌کنند. ۱۵٫۳ درصد از آنها نیز بی‌پناه و فاقد جای مشخصی برای ماندن بوده‌اند. ۹٫۳ درصد از متکدیان دارای جایگاه موقت یعنی افرادی که در مسافرخانه‌های جنوب شهر و یا در مکان‌های دیگر بطور موقت جای‌گرفته بودند (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۱۴۱). در سال ۱۳۷۹ نیز براساس آمار اعلام شده توسط ستادهای استانی به وزارت کشور، کل متکدیان برابر ۲۲۹۳۸ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۲۱۲۹۳ نفر مرد و ۱۵۴۵ نفر زن بوده‌اند. آمار متکدیان جمع‌آوری شده برای سال ۱۳۸۰ در ۲۸ استان کشور تعداد ۱۷۲۷۹ نفر بوده است که از این تعداد ۱۴۰۴۲ نفر مرد و ۳۲۳۷ نفر زن بوده‌اند (حاجیان‌مطلق، ۱۳۸۱: ۲۱۲). همچنین براساس داده‌های مربوط به متکدیان دستگیر شده از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۴ که به تفکیک استان در دسترس بوده است، در استان تهران تعداد ۷۵۵۱ متکدی جمع‌آوری شده بود. از این تعداد ۶۶۴۰ نفر مرد و ۹۱۱ نفر زن بوده‌اند. همچنین براساس این اطلاعات، ۱۲۹۱ نفر به خانواده، ۱۰۸۸ به قید تعهد آزاد، ۶۷۹ نفر اعزام به شهرستان محل سکونت، ۶۶۴ نفر به دستگاه قضایی، ۶۲۲ نفر از آنها به بهزیستی، ۲۰۷ نفر به کمیته امداد، ۱۰۶ نفر متواری و ۱۵۵ نفر به دفتر اتباع خارجی ارجاع داده شدند (منتظر قائم، ۱۳۸۶: ۳۳-۴۱). در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ طرح جمع‌آوری متکدیان از سطح شهر تهران با همکاری شهرداری تهران، کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی و سایر ارگان‌های مربوطه آغاز شد. مدیر کل آسیب‌های اجتماعی شهر تهران در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۸۵ اعلام کرد که تا آن

زمان ۱۱۸۷ نفر متکدی از سطح شهر تهران جمع آوری شده‌اند که از این میان ۸۶۰ نفر از افراد جمع‌آوری شده مرد، ۲۳۸ نفر زن، ۳۶ نفر کودک دختر و ۵۳ کودک پسر بوده‌اند و ۱۵ درصد متکدیان نیز ترخیص شده بودند. همچنین نکته قابل تأمل دیگر در بیانات این مقام آن بوده است که ۱۳۲ نفر از متکدیان جمع شده از اتباع بیگانه پاکستانی و افغانی بوده‌اند که از مرز رد شده‌اند. از نظر وضعیت سنی نیز افراد زیر ۱۰ سال برابر ۶۴ نفر و بالای ۸۰ سال ۳۳ نفر بوده‌اند.

در دوره زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ در استان تهران ۱۰۴۴۲ متکدی جمع‌آوری شده است که از این میان ۸۱ درصد آنها مرد و ۱۹ درصد زن بوده‌اند. همچنین آمارها نشان داده که در این فاصله زمانی ۷ درصد کل متکدیان جمع‌آوری شده در کشور متعلق به شهر تهران بوده‌اند. آمار منتج از یک نمونه‌گیری، تعداد متکدیان در تهران در سال ۱۳۷۹ را ۲۳ هزار نفر نشان می‌دهد که از این تعداد ۲۱ هزار نفر مرد بوده‌اند. در سال ۱۳۸۰ این آمار ۱۷ هزار و سیصد نفر بوده است با این فرض که در نمونه‌گیری‌ها حدود ۱۰ درصد از متکدیان پوشش داده می‌شود، لذا می‌توان آمار متکدیان شهر تهران برای سال ۱۳۸۰ را ۱۷۰ هزار نفر تخمین زد (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۲: ۳۹). در مجموع مطالعات نشان داده که روند تکدی‌گری در شهران تهران رو به افزایش است و شیوه‌های آن نیز تغییر کرده است و از صورت فردی به شبکه‌ای تبدیل شده است. ۷۵ درصد از متکدیان شهر تهران توانمند هستند و به تکدی‌گری بعنوان یک شغل می‌نگرند. آمارهای بدست آمده نشان داده که ۹۰ درصد متکدیان میانگین درآمدشان از درآمدهای کارمندان دولت بیشتر است و بصورت سازمان یافته به فعالیت می‌پردازند (همان، ۴۷). بنابر گزارشی، تنها ۱۵ درصد کسانی که گدایی می‌کنند، نیازمند واقعی بوده و همچنین اشاره داشته‌اند که درآمد گدایان تهرانی در یک روز از ۱۰ هزار تومان تا صد هزار تومان در نوسان است (منبع خبر/ <http://www.bartarinha.ir>). همچنین براساس منبعی دیگر حدود ۷۰ درصد متکدیان در شهر تهران، بومی تهران نیستند (روزنامه خراسان، اول آذرماه ۱۳۹۳).

پراکندگی متکدیان در مناطق مختلف شهر تهران

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران در سال‌های ۷۴-۱۳۷۳ طرحی بنام "پژوهش آماری از متکدیان شهر تهران" انجام داده است. نتایج این مطالعه نشان داده است که در سطح شهر تهران ۶۶۱ نفر از متکدیان زمان صبح و ۴۳۸ نفر در زمان بعد از ظهر مشاهده شده‌اند. بیشترین متکدیان در منطقه ۷ (۲۰ درصد) مشاهده شده‌اند (مرکز مطالعات شهرداری تهران، ۱۳۷۴ به نقل از ادهمی و همکاران، ۱۳۹۱). براساس اطلاعات دریافتی از هر یک مناطق

۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۰، مشخص گردیده که اعتیاد و تکدی‌گری مهمترین آسیب اجتماعی شهر تهران بوده است که هفت منطقه ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ را بیشترین تعداد متکدیان و معتادین را داشته‌اند (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۲: ۴۰). کارشناسان حوزه اجتماعی معتقدند یکی از اصلی‌ترین عوامل تشدید این پدیده، فقر و مشکلات اقتصادی بوده است. در میان آواره‌ها و گدایان شهر تهران بیماران روانی طرد شده از خانواده و یا معتادان هم وجود دارند. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته بیشترین متکدیان در مناطق ۱۲، ۷ و ۱۶ متمرکز هستند و اعتیاد فراگیرترین آسیب این گروه‌ها است (سایت خبری تحلیلی فرارو، ۱۳۹۳). در مجموع براساس اطلاعات بدست آمده از گزارشات سازمان رفاه، خدمات اجتماعی و مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران در سال ۱۳۹۳ بیشترین محل تمرکز متکدیان به تفکیک و اولویت مناطق عبارتند از: منطقه ۱۲ تهران، منطقه ۷ و منطقه ۱۶ (سیاست روز، سوم تیرماه ۱۳۹۳).

تجربه کشورهای توسعه‌یافته در حوزه تکدی‌گری

در انگلستان از همان قرون وسطی، تکدی‌گری ممنوع شده بود. در نخستین قانون تکدی‌گری در انگلیس، جرم فرد کمک کننده به متکدی‌ای که توانایی کار داشته بود را اعدام، و مجازات فرد متکدی توانا به کار، شش سال کار اجباری در نظر گرفته شده بود. در نیمه دوم قرن ۱۴ نگاهی قاعده‌مند به رفتار تکدی‌گری شد. در سال ۱۳۸۸ میلادی در انگلستان قانونی وضع شد که به افراد ناتوان در انجام کار، اجازه تکدی‌گری در محل سکونت خود داده شد. همچنین در قانون سال ۱۵۳۰ آمده بود که افراد فقیر و ناتوان، اجازه تکدی‌گری در محل سکونت خود را دارند. افرادی که بدون مجوز تکدی‌گری می‌کردند، به مجازات شلاق محکوم می‌شدند و افرادی که با داشتن مجوز غیر از محل سکونت خود به تکدی‌گری می‌پرداختند، بعنوان مجازات، به مدت دو شبانه روز به مکان‌هایی دیگر برای مراقبت با حداقل غذا و امکانات فرستاده می‌شدند. در سال ۱۵۳۵ قانونی دیگر برای متکدیان به تصویب رسید. براساس قانون فعلی، متکدیانی که توانایی کار کردن را داشتند، به کار گماشته می‌شدند و سایر متکدیانی که توانایی کار نداشتند، برای نگهداری به کلیسا یا سایر بخش‌ها تحویل داده می‌شدند. در سال ۱۵۹۷ قانونی در انگلستان در خصوص جمع‌آوری متکدیان بتصویب رسید. طبق این قانون، دولت موظف شد خانه‌های بازپروری و اصلاح برای چنین افرادی بسازد و تا اینکه نهایتاً به سرکار برمی‌گشتند و یا از انگلستان تبعید می‌شدند. این قانون در سال ۱۷۱۳ دوباره مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. در این دوره دادگاه‌ها

می‌توانستند چنین افرادی را به مدت ۷ سال برای کار به مستعمرات انگلستان تبعید نمایند. در سال ۱۷۴۴ طبق قانون مصوبه آن زمان، افرادی که قادر به کار کردن بودند، ولی دلیل تنبلی به تکدی‌گری روی می‌آوردند، با عنوان "افراد بیکار و آشوبگر" برچسب می‌خوردند و مجازات چنین افرادی، یک ماه حبس با اعمال شاقه بود. متکدیانی که بیرون از محل سکونت خود تکدی‌گری می‌کردند، بعنوان "اراذل و اوباش" شناخته می‌شدند و به بیش از ۶ ماه حبس مجازات می‌گردیدند. این دو دسته متکدی در صورت تکرار جرم، وارد دسته متکدیانی اصلاح‌ناپذیر می‌شدند که به دو سال حبس محکوم می‌شدند. در سال ۱۸۳۴ نیز برای مبارزه با تکدی‌قوانینی به تصویب رسید که به موجب آن در کمک به این قبیل افراد محدودیت‌هایی به وجود آمد، تا فراق تمایلی به اخذ چنین کمک‌هایی نداشته باشند، بدین ترتیب که با تشکیل اردوهای کار اجباری نسبت به تهیه کار برای افراد سالم و توانا اقدام و به معلولین و افرادی که قادر به کار نبودند نیز مبلغی مستمری داده می‌شد، که میزانش کمتر از حقوقی که در آن زمان وجود داشت بود. بعلاوه قوانینی به تصویب رسید تا به منظور جلوگیری از تنبلی افراد، تکدی را در جرائمی در ردیف جنایت قلمداد نماید. در قرن نوزدهم به موازات اقدامات فوق، مؤسسات خیریه خصوصی نیز در کشور انگلستان به وجود آمد که اقدامات آنان نیز برای افراد محتاج بسیار مؤثر بود. در قرن بیستم دولت انگلستان با تکمیل اقدامات فوق موفق گردید یک سیستم جامع تامین اجتماعی را از تلفیق کلیه راه‌حل‌هایی که تا آن زمان اعمال می‌گردید برقرار و با تصویب قانون بیمه‌های اجتماعی و همچنین قانون بهداشت عمومی در سال ۱۹۴۶ مبارزه و با فقر و تکدی را با کیفیتی عالی اعمال نماید (انصاری، ۱۳۹۰؛ ادهمی، ۱۳۸۹: ۱۲). در تازه‌ترین قوانین مربوط به متکدیانی در انگلستان، بیشتر بر ایجاد انگیزه در اعضای غیرفعال جامعه برای کار کردن و پیشگیری از ارتکاب جرم توسط آنها، تأکید می‌شود. عمده قوانین تکدی‌گری در اسکاتلند برگرفته از قوانین انگلستان بوده است. در ابتدا در این کشور، تکدی‌گری توسط افراد زیر ۱۴ سال و بالای ۷۰ سال ممنوع شمرده می‌شد، مگر با داشتن مجوز از سوی نمایندگان دولت یا شورای شهر. قوانین متکدیانی در این کشور تغییراتی داشت، تا اینکه در زمان چارلز دوم به نمایندگان دولت اجازه داده شد که متکدیانی را به کار وا دارند و نیز اماکنی برای نگهداری آنها تأسیس نمایند (انصاری، ۱۳۹۰). تا قبل از سال ۱۷۹۹ در فرانسه قانون مشخصی برای برخورد با متکدیانی وجود نداشته است. متکدیانی در آن زمان دارای تشکیلات خاصی در بین خود بوده و بصورت گروهی عمل می‌کردند. اما از سال ۱۷۹۹ به بعد دولت فرانسه تصمیم به برچیدن این بی‌نظمی‌گرفت. مسئولین امر، ولگردان و گدایان را به دادگاه‌های اختصاصی اعزام و برای آنها مجازات‌هایی در نظر می‌گرفتند. در سال ۱۸۰۸ بنگاه‌های

نگاهداری گدایان در فرانسه تاسیس، ضمناً در مجازات گدایان و ولگردان تجدید نظرهایی به عمل آمد. پس از آن مصوبات دیگری برای تکمیل قوانین فوق اضافه شد که از آن جمله قانون سال ۱۹۰۵ راجع به دستگیری اجباری از پیرمردان و ناقص‌العضوها و بیماران علاج‌ناپذیر فاقد درآمد بود. این قوانین و مشابه آن تا اوایل قرن بیستم تکمیل‌تر شده تا در این قرن منجر به تاسیس اردوی کار و استفاده از نیروی افراد در اغلب کشورهای اروپایی شد. اولین اردوی کار بین‌المللی در تابستان سال ۱۹۰۲ در شمال فرانسه تشکیل شد و برنامه کار آن شامل: ساختمان و ترمیم جاده‌ها و پل‌ها و ساختمان‌های خراب شده در زمان جنگ بود (ادهمی، ۱۳۸۹: ۱۱). در قانون کیفری فرانسه بین افرادی که به قصد ارتکاب جرم ولگردی می‌کنند و متکدیان تفاوت قائل شده است. در فرانسه، متکدیانی که در شهرها یا جاهایی به تکدی‌گری می‌پرداختند که فاقد مؤسسات اجتماعی حمایتی بود، مجازاتی برای متکدی به همراه ندارد، اما اگر متکدی در جایی که آن مؤسسات اجتماعی وجود داشته باشند به تکدی‌گری مشغول می‌شد، بعنوان مجازات به ۳ تا ۶ ماه زندان محکوم و معمولاً به مراکز خاصی برای نگهداری فرستاده می‌شوند. همچنین مجازات متکدیانی که از روی عادت تکدی می‌کردند و توانایی کار را دارند از یک تا ۳ ماه زندان است و در صورت دستگیری متکدی بیرون از محل سکونتش، شش تا دو سال حبس برای او بدنبال خواهد داشت. در فرانسه نیز بطور کلی برای حل مشکل متکدیان، یکسری مؤسسه خیریه عمومی دایر شده است (انصاری، ۱۳۹۰). در نظام حقوقی آمریکا جرم‌انگاری تکدی‌گری به یک مسأله تبدیل شده است. در این رابطه دو دسته افراد با دو نگاه متفاوت وجود دارند. عده‌ای با توجه به آثار و پیامدهای سوء تکدی‌گری بر جامعه، دولت را موظف به اتخاذ تدابیر قانونی برای برخورد با این پدیده می‌دانند. از سویی دیگر عده‌ای معتقدند برخورد جرم‌انگارانه با تکدی‌گری خلاف قانون اساسی و اصل آزادی بیان است. این افراد در مخالفت با این قضیه به حمایت از تکدی‌گری در اصل آزادی بیان اصلاحیه اول قانون اساسی، مبهم بودن مفهوم و مصادیق تکدی‌گری پرخاشگرایانه برای افراد متکدی و عدم درک آنها از این نوع تکدی اشاره دارند. این اختلافات منجر به تفکیک دو نوع تکدی‌گری از یکدیگر گردید، یعنی تکدی‌گر پرخاشگرایانه و تکدی‌گری کنش‌پذیر. تکدی‌کنش‌پذیر یعنی درخواست پول، نشستن در یک گوشه برای دریافت کمک‌های مالی رهگذران یا همان باز کردن دست بسوی مردم است. اما تکدی‌گری پرخاشگرایانه، همان درخواست پول همراه با ترساندن، تهدید، یا مزاحمت برای مردم است. لذا این نوع تکدی‌گری در نظام حقوقی آمریکا جرم محسوب می‌شود (انصاری، ۱۳۹۰). شروع مبارزه با تکدی و حمایت از فقرا در ایالات متحده آمریکا را می‌توان از سال ۱۷۷۳ پیگیری نمود. در این سال یک بیمارستان

دولتی که وظیفه‌اش معالجه افراد فقیر و بی بضاعت بود، در ویرجینیا تاسیس شد. به موازات این اقدام قوانینی نیز برای از بین بردن فقر از طریق ایجاد کار برای فقرا در این کشور تصویب گردید. در سال ۱۷۹۸ نوانخانه‌ای در نیویورک تاسیس شد که در آن کمک‌ها و خدمات بسیار ابتدایی به متکدیان می‌داد. با تأسیس این نوانخانه کمک‌هایی که در خارج از آن به فقرا و متکدیان می‌شد، رفته رفته کم و حکومت نیز تا حد زیادی در این خصوص قبول مسئولیت نموده بود. در سال ۱۸۶۳ نیز در ایالات ماساچوست سازمانی برای کمک به افراد محتاج و افرادی که دارای نقص عضو بودند، تاسیس شد که طرز کار آن همانند مؤسسات خیریه و دارالتادیب بود. در سال ۱۹۳۲ رییس جمهور وقت آمریکا (روزولت) لایحه‌ای تقدیم کنگره آمریکا کرد که به موجب آن اجازه داده می‌شد تا با تشکیل اردوی کار، عده زیادی از افراد بدون کار و فقرا را بدون این که لطمه به وضع کارگران عادی وارد سازد به کارهای عام المنفعه از قبیل جنگل‌داری، ایجاد جنگل‌های مصنوعی، جلوگیری از فساد زمین‌های قابل کشت و زرع و ساختن سدهای مخصوص جهت جلوگیری از خرابی سیل و کارهای عمومی دیگر مشغول سازند. اهداف اصلی برنامه مذکور را می‌توان: ۱. ایجاد کار برای بیکاران و جلوگیری از فقر، تکدی و بیچارگی مردم. ۲. حفظ و حراست منابع طبیعی و احیای جنگل‌های از دست رفته و جلوگیری از انهدام مزارع و کشتزارها و توسعه اراضی دایر. ۳. مهمتر از همه ارزش روحی و اخلاقی که از اجرای اصول فوق حاصل می‌گردید. با تشکیل اردوهای کار و فراهم ساختن محیط زیست و شرایط مساعد برای بیکاران نه تنها از ولگردی و تنبلی و تکدی و آشفتگی فکر آنها جلوگیری می‌گردید، بلکه موجبات تقویت فکری و اخلاقی و جسمانی آنها نیز فراهم می‌شد. در سالیان اخیر نیز ایالات متحده با اتخاذ سیاست‌های خاص با فقر و تکدی مبارزه نمود، به طوری که در سال ۱۹۶۳، ۷/۶ درصد از درآمد خود را برای انجام برنامه رفاه اجتماعی اختصاص داده است. سیستم کمک‌های عمومی در ایالت متحده آمریکا، بطور کامل از قانون حمایت از فقرا انگلیس اقتباس و در حال حاضر حتی برخی مواد آن که از قانون حمایت فقرا انگلیس حذف شده، در این کشور پابرجاست. تا اواسط قرن ۱۹ یعنی تا سال ۱۸۶۸ کمک‌های ارائه شده به فقرا جنبه نقدی نداشته و به اشخاص عاجز، نابینا و کودکان بی‌سرپرست اختصاص داشت. از سال ۱۸۶۸ به بعد کمک‌های نقدی به وجود آمده و در چندین ایالت رواج پیدا کرد. در این ایالت به نابینایان، اشخاص مسن بی‌سرپرست و خانواده‌های فاقد سرپرست کمک‌های نقدی تعلق می‌گرفت، لیکن به طور دایم این شک و تردید وجود داشت که چه کسانی واجد شرایط برای اخذ این کمک‌ها هستند و چه تعدادی به ناحق از این کمک‌ها استفاده می‌نمایند. در سال ۱۹۳۵ دولت فدرال آمریکا پا را فراتر نهاده و با تصویب لایحه تأمین

اجتماعی، کمک‌های دولت فدرال را به سه شکل عمده تقسیم نمود، این سه بخش عمده عبارت بودند از: - کمک به نایبانیان - کمک به اشخاص پیر و مسن و سالمند - کمک به کودکان بی سرپرست. قانون تأمین اجتماعی در سراسر ایالات متحده لازم‌الاجرا و کلیه ایالات ملزم به ایفای وظیفه تعیین شده می‌باشند. در سال ۱۹۵۸ به قانون فوق‌الذکر قسمت دیگری اضافه شد و آن کمک به معلولینی بود که به طور دائم و کامل قادر به انجام کار نبودند. برای تکمیل اقدامات فوق در سال ۱۹۶۸ در تمام ایالات متحده آمریکا، قوانین و شرایط خاصی برای مسکن دادن افراد بی بضاعت به وجود آمد. هم‌چنین بودجه خاصی نیز برای اعانه کسانی که از محل اقامت خود به نقطه دیگر کوچ کرده و قادر به عزیمت به موطن اصلی نبوده، در نظر گرفت (ادهمی، ۱۳۸۹: ۱۳).

یافته‌های منتج از مصاحبه‌ها

برای شروع بحث از مصاحبه شونده‌ها خواسته شد که ابتدا تعریفی از متکدی ارائه دهند. براساس نظر یکی از مصاحبه شونده‌ها فرد متکدی فردی است که "در معابر اصلی شهر پرسه می‌زند و بدنبال کسب درآمد از طریق تکدی است بدون این‌که کار و زحمتی متقبل شود و صرفاً با توسل به عواطف و احساسات مردم در تلاش برای کسب درآمدی بدون زحمت است." در پاسخ به این سؤال که آیا بنظر شما تکدی یک جرم است یا خیر و چرا؟ مصاحبه شونده‌ای بر این باور است که "پاسخ این پرسش هم بله است و هم خیر. خود نفس تکدی‌گری و خصوصاً در شکل فردی آن بنظر من جرم نیست، بلکه باید آسیبی اجتماعی دانسته شود... اما در یک صورت که هیچ دلیلی وجود نداشته باشد که فرد گدایی کند، می‌توان او را مجرم دانست." مصاحبه شونده‌ای دیگر چنین بیان می‌دارد که "اگر این افراد واقعاً نیاز اقتصادی داشته باشند که از طرق دیگر مانند کار کردن (بدلیل معلولیت جسمی) یا حمایت سایر نهادهای رسمی و غیر رسمی، قادر به برآورده کردن نیازهای اقتصادی خود نباشند، دیگر بنظر من مجرم نیستند. اما گاهی اوقات تکدی بشکل سازمان یافته در می‌آید و افرادی سودجو از آن استفاده اقتصادی می‌کنند که اتفاقاً با این نوع تکدی و آن افراد باید برخورد قانونی جدی شود. پرسش دیگری که از متخصصان سؤال گردید، این بود که آیا برای تکدی می‌توان کارکردهای مثبت در نظر گرفت یا صرفاً پدیده‌ای منفی است؟ که در پاسخ یکی از متخصصان چنین اظهار نمود که "اگر تکدی واقعاً تنها راه رفع نیاز اقتصادی فرد باشد، حتی می‌توان آن را مثبت دانست." دیگر مصاحبه شونده بر این عقیده است که "اگر تکدی را به شکل سازمان یافته ببینیم، بطوریکه به صورت شبکه‌مند در پی کسب

درآمد در مکانهای مختلف شهر به فعالیت بپردازند، نمی‌توان کارکرد مثبتی را برای آن در نظر گرفت." در پاسخ به این سؤال که از لحاظ تاریخی چه تغییراتی در جامعه متکدیان بوجود آمده است؟ یکی از متخصصان چنین گفته است که "متکدیان در طول زمان بیشتر از افرادی تشکیل شده‌اند که بعنوان مهاجر وارد کلان شهر تهران شده‌اند همچنین اینکه، دیگر مثل سابق بسیاری از متکدیان الزاماً فقیر نیستند، بلکه حتی برخی از آنها درآمدهای میلیونی دارند. یعنی در پدیده تکدی تا اندازه‌ای عقلانیت نیز حاکم شده است." یکی دیگر از مصاحبه شونده‌ها می‌گوید که "امروزه افراد کم سن و سال، جوان و کودکان بیشتری نسبت به گذشته به تکدی روی آورده‌اند. همچنین سهم و تعداد زنان نیز نسبت به گذشته بیشتر شده است. امروزه الگوی دیگری که دیده می‌شود، تکدی بصورت زوج است." در پاسخ به این سؤال که عوامل بروز و ظهور تکدی چیست؟ از بین عوامل ایجاد کننده آن، کدام عوامل در بروز تکدی در جامعه ایران و مشخصاً شهر تهران نقش دارند؟ و چرا؟ یافته‌های مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که "قطعاً یکی از مهمترین عامل‌های تسهیل کننده بروز بیشتر تکدی در شهر تهران به اقتصاد آن برمی‌گردد. اما اگر از نگاه جمعیت‌شناختی به این پدیده بنگریم و تحلیلی جمعیتی داشته باشیم، ویژگی خاص شهر تهران از نظر جمعیتی نیز بی‌تأثیر نبوده است. از سویی "حجم جمعیت" در بروز این پدیده نقش بازی می‌کند از سویی دیگر سیال بودن جمعیت نیز مهم است..... نکته دیگر در مورد شهر تهران به "ناهمگونی جمعیت شهر تهران" برمی‌گردد. در تهران جمعیتی با مذاهب، قومیت، طبقات اقتصادی و اجتماعی و سطوح تحصیلی... مختلفی زندگی می‌کنند. لذا چون مجموعه‌ای از این افراد در شهر تهران هستند، بنابراین متکدیان می‌توانند از یکسانی تعلقات مذهبی و قومی خود با دیگران برای دریافت کمک مالی استفاده کنند." پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مترتب تکدی از نظر برخی متخصصان چنین است که "از نظر اقتصادی طبیعتاً بخشی از درآمد جامعه بسمت این افراد جاری می‌شود. یعنی درآمدهای این افراد در اقتصاد شهری وارد بخش درآمدهای نانوشته غیررسمی می‌شود. همچنین بخشی از نیروی انسانی که در اقتصاد می‌توانند نقش‌های مثر ثمرتری داشته باشند، کنار زده شده‌اند. از نظر اجتماعی نیز مهمترین پیامد این پدیده، زشتی فضای شهری است."

در ارتباط با این موضوع که چگونه می‌توان با این پدیده مقابله نمود و راهکارهای مواجهه منطقی با این مسأله چیست؟ صاحب‌نظران بر این باورند که "در قدم اول نیاز به کار فرهنگی یا همان فرهنگ سازی در جامعه و خصوصاً شهر تهران می‌رود.... از آنجایی که بسیاری از افراد که در شهر تهران تکدی می‌کنند، مهاجر بوده و اتفاقاً در شهر خود جز افراد توانمند محسوب می‌شوند و

افراد هوشمندی هستند که با ورود به تهران بجای کار کردن، خود را افراد ناتوان جا می‌دهند، لذا بهتر است بعد از جمع‌آوری، این افراد به شهر خود برگردانده شوند و در صورت لازم در همان شهر مورد حمایت نهادهای ذی‌ربط قرار بگیرند. "صاحب‌نظری دیگر بر این باور است که "بنظر من باید متکدیان را از سطح شهر جمع‌آوری نمایند و اصلاً اجازه‌گذاری کردن را به آنها ندهند..... بعد از جمع نمودن آنها باید جایی مشخص برای زندگی آنها در نظر بگیرند و در مرحله بعد به آنها آموزش دهند که دور از شأن یک انسان است که جلوی دیگران دست دراز کند. بحث بعدی موضوع توانمندسازی این افراد است. باید به این افراد کارهای متناسب با وضعیت‌شان داده شود و آنها را در کارگاه‌هایی بکار گرفت."

بحث و نتیجه‌گیری

رشد فزاینده شهرنشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه به شهر تهران در سال‌های اخیر زمینه‌ساز شکل‌گیری بسیاری از آسیب‌های اجتماعی شده است که تکدی‌گری از جمله آن می‌باشد. تکدی‌گری در قانون اساسی کشور جرم و متکدی مجرم دانسته می‌شود، اما با این وصف، هر روز شاهد حضور تعداد کثیری از این افراد در سطح کلانشهر تهران، معابر و گذرگاه‌ها خصوصاً در اماکنی مانند مترو هستیم، که طبق گفته یکی از متخصصان به "کانون آسیب‌های اجتماعی در تهران" بدل شده است. تکدی‌گری براساس مطالعات انجام شده در طول زمان دستخوش تغییراتی بوده است. امروزه خیلی از متکدیان، کودکان کم سن و سال و یا زنان هستند که در گذشته‌های نه چندان دور، کمتر به چشم می‌خوردند. از دیگر تغییرات مهم در این حوزه، شکل‌گیری باندها و گروه‌های سازمان‌یافته‌ای است که بنظر یکی از صاحب‌نظران "بشکل مافیایی"، گردآندگان اصلی این پدیده هستند. امروزه حتی شیوه تکدی با گذشته تفاوت دارد و افراد با توسل به حربه‌ها و روش‌های جدید، از مردم پول دریافت می‌کنند. اما نباید از این نکته غافل ماند که شماری از متکدیان، نیازمند واقعی هستند که بدلیل مشکلات و ناتوانی‌های جسمی، نبود حمایت‌های رسمی از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی به تکدی‌گری روی آورده‌اند. تمامی مصاحبه‌شونده‌ها در این مطالعه بر این عقیده‌اند که قانون نباید این دسته از افراد را مجرم قلمداد نماید. براساس مطالعات پیشین، آمار و اطلاعات موجود و گفته‌های آسیب‌شناسان اجتماعی، مهمترین دلیل گرایش افراد به تکدی‌گری، عامل اقتصادی است. البته می‌توان عامل اقتصادی را از دو بُعد و زاویه نگریست. عده‌ای بدلیل نیازهای واقعی و فشار اقتصادی به تکدی‌گری روی می‌آورند و عده‌ای برای سودجویی و کسب پول بیشتر. همچنین متخصصان بر این باور بوده‌اند که "سیال بودن جمعیت" شهر تهران

باعث گمنامی هر چه بیشتر متکدی در این شهر می‌شود، "حجم جمعیت" و "ناهمگونی جمعیت شهر تهران" نیز در روند روبه رشد پدیده تکدی‌گری اثرگذار بوده است. بعلاوه، مردم و جامعه در بروز و ظهور این پدیده نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند. تکدی رابطه‌ای دو سویه می‌باشد. در این رابطه، فردی بعنوان "کمک دهنده و فردی بعنوان "کمک گیرنده" نقش بازی می‌کنند. لذا با عدم ایفای نقش کمک دهنده انتظار می‌رود این رابطه ناقص و در طی زمان ناپدید گردد. تکدی‌گری همانند سایر آسیب‌های اجتماعی، پیامدها و معضلاتی را بدنبال خواهد داشت. یافته‌های این مطالعه بر پایه اظهارات مصاحبه‌شونده‌ها، نشان می‌دهد یکی از پیامدهای این پدیده این است که پول حاصل از تکدی خارج از اقتصاد رسمی شهری به گردش در خواهد آمد و بیشتر این درآمدها خصوصاً درآمدهای حاصل از تکدی سازمان یافته، احتمالاً در راه‌هایی مانند تولید و توزیع مواد مخدر بکار گرفته می‌شود، که بی‌تردید آسیب‌های اجتماعی اسفناک‌تری را برای جامعه و مشخصاً جوانان به همراه دارد. تکدی‌گری همچنین می‌تواند بعنوان "تخریب‌گر اعتماد اجتماعی" در جامعه شناخته شود. بعد از کمک به فرد متکدی و آشکار شدن عدم نیاز وی، فرد کمک دهنده دچار بی‌اعتمادی اجتماعی می‌شود و دیگر نسبت به نیازمندان واقعی نیز بی‌اعتنا می‌گردد. "زشتی فضای شهری" از نظر ریخت‌شناسی از دیگر پیامدهای مورد انتظار این پدیده است. بعلاوه، با مشاهده حضور مداوم متکدیان با وضعیت‌های جسمانی ناراحت کننده، یک "اثر روانی منفی" برای بسیاری از شهروندان و عابرین به‌مراه خواهد آورد. در ایران براساس مطالعات و شواهد موجود در چندین مقطع زمانی سعی در برخورد با این آسیب شده است. از اقدامات صورت گرفته در این حوزه می‌توان به جمع‌آوری متکدیان از سطح شهرها و از جمله کلان‌شهر تهران اشاره نمود. با وجود این اقدامات، کماکان شاهد حضور متکدیان در معابر و گذرگاه‌های اصلی شهر هستیم. این موضوع از عملیاتی نشدن و عدم تحقق آن برنامه‌ها حکایت دارد. از دلایل محقق نشدن این اقدامات براساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان، می‌توان به مقطعی بودن، کوتاه مدت بودن و عدم استمرار برنامه‌ها، عدم حمایت‌های مالی لازم، عدم همکاری بین ارگان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی ذی‌ربط و عدم برخورد جدی قانونی با گروه‌های سازمان یافته تکدی اشاره نمود. در پایان متخصصان، صاحب‌نظران و مسؤولان اجرایی براین باورند که اولین قدم برای حل این معضل و آسیب اجتماعی در کلان‌شهر تهران، مطالعه و شناخت دقیق این افراد است. باید بصورتی علمی و با یک بررسی کارشناسی شده مشخص شود که متکدیان تهران چه افرادی و با چه مشخصاتی هستند تا در گام بعدی بتوان برای حل مشکل آنها پاسخی متناسب با وضعیت و شرایط آنها اندیشیده شود.

راهکارهای پیشنهادی

برای حل پدیده تکدی در شهر تهران که هدف اصلی این مطالعه نیز بوده است، بعد از انجام مصاحبه با افراد واجد شرایط در این حوزه، راهکارهای ذیل در دو بخش کوتاه مدت و بلند مدت قابل طرح بودند:

راهکارهای بلند مدت:

- در گام اول و براساس نظریات متخصصان این حوزه، از آنجایی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی و از جمله تکدی با خلأ آمار و اطلاعات روبرو هستیم، لذا پیشنهاد می‌شود که شهرداری پروژه‌های دقیق و علمی به منظور شناسایی کامل متکدیان برحسب مشخصات مختلف آنها تعریف نماید. این پروژه بهتر است به صورت بین رشته‌ای طراحی و اجرا گردد و از پژوهشگران حوزه‌هایی همانند جامعه‌شناسی و روانشناسی استفاده گردد.
- در برخورد با تکدی نیاز به کار فرهنگی یا همان فرهنگ سازی در جامعه و خصوصاً شهر تهران می‌رود. یعنی باید در این زمینه اطلاع رسانی شود و پیامدهای این پدیده به گوش مردم رسانده شود. وقتی مردم آگاه شوند که بخشی از درآمدهای حاصل از تکدی‌گری صرف معتاد کردن جوانان و کودکان و تجاوز و قتل و... می‌شود، احتمالاً رویکرد خود را نسبت به رفتار تکدی تغییر دهند.
- شهرداری با کمک سایر ارگان‌های ذی‌ربط همانند نیروی انتظامی و طی چندین مرحله متکدیان را از سطح شهر جمع‌آوری نمایند و اجازه‌گدایی کردن را به آنها ندهند.
- از آنجایی که تکدی در دو شکل آشکار و پنهان و در قالب الگوهای جدیدی وجود دارد، لذا در بلند مدت باید تمامی انواع آن را از سطح جامعه پاک نمود.
- شهرداری بتنهایی نمی‌تواند اقدامات مؤثری برای مواجهه با تکدی انجام دهد، بلکه به یک اقدام میان بخشی و میان نهادی نیاز است. سازمان بهزیستی، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت بهداشت نیز بهتر است وارد میدان عمل شوند. لذا پیشنهاد می‌شود که شهرداری جلساتی برای هماهنگی و همکاری با این سازمان‌ها و نهادها قبل از هرگونه اقدام تشکیل دهد.
- برای رسیدن به نتیجه باید برنامه‌ استراتژیک هدفمندی طراحی گردد که منابع مالی لازم نیز برای این کار مهم پیش بینی گردد.

راهکارهای کوتاه مدت

- جمع‌آوری متکدیان در کوتاه مدت بهتر است ابتدا از مناطقی (۱۲ و ۷ و ۱۶) شروع شود که بیشترین فراوانی متکدیان در آنجا وجود دارد.
- پیشنهاد می‌گردد که در این مناطق متکدیان شناسنامه‌دار گردند، زیرا در صورت لزوم بعداً سریعتر می‌توان آنها را شناسایی نمود.
- برای شروع، بهتر است متکدیانی که بطور آشکار اقدام به عمل تکدی می‌نمایند را از سطح شهر جمع‌آوری نمود.
- بعد از جمع‌آوری متکدیان، باید مکانی موقت برای رسیدگی به آنها در نظر گرفت. بهتر است در این مرحله به وضعیت بهداشتی و سلامتی آنها با کمک وزارت بهداشت رسیدگی شود. ممکن است برخی از متکدیان حامل بیماری‌های خطرناکی باشند که در این مرحله شناسایی و تحت درمان قرار می‌گیرند. لذا پیشنهاد می‌شود که بحث بیمه سلامت متکدیان واجد شرایط نیز تدوین و اجرا گردد.
- در گام بعد بهتر است متکدیان را بر حسب ویژگی‌هایی مانند درآمد، شیوه زیست، محل تکدی‌گری آنها، محل سکونت و شهر مبدأ، توانایی‌ها و ناتوانایی‌هایشان طبقه‌بندی نمود، تا بهتر بتوان با آنها رفتار شود.
- شهرداری باید افراد ناتوان و نیازمند واقعی را سازماندهی و شناسایی نماید و از متکدیان غیر نیازمند و سازمان یافته تفکیک نماید.
- بعد از شناسایی افراد غیر نیازمند و کلاهبردار باید آنها به مراجع قانونی و قضایی رسمی معرفی و مورد پیگرد قانونی جدی قرار گیرند. در زمینه تکدی نیاز است که قوانین تخصصی‌تری تدوین گردد، چون در این زمینه با خلأ قوانین مواجه هستیم. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در قوانین موجود بازنگری شود و متکدی مجرم تعریف دقیق‌تری داشته باشد.
- پیشنهاد می‌شود برای متکدیان نیازمند آموزش‌هایی در نظر گرفته شود تا تکدی به این عمل و زشتی آن از نگاه سایر افراد جامعه آگاه شود، تا در آینده احتمال اینکه دوباره دنبال این عمل برود کاهش یابد.
- بحث بعدی موضوع توانمندسازی این افراد است. باید به متکدیانی که توانایی کار دارند، کارهای متناسب با وضعیت‌شان داده شود و آنها را در کارگاه‌هایی بکار گرفت، تا بتوانند زندگی خود را تأمین نمایند.

- پیشنهاد می‌گردد که شهرداری اقدام به تأسیس صندوق‌هایی با عنوان "صندوق آسیب دیدگان شهری" جهت جمع‌آوری کمک‌های مردمی در مناطق مختلف شهر نماید. همچنین با کارهای تبلیغاتی مردم را آگاه سازد که از این زمان به بعد کمک‌های خود را غیرمستقیم و از طریق این صندوق‌ها بدست نیازمندان برسانند. این صندوق‌ها می‌تواند توسط شورای محله‌ها اداره و هدایت گردند.
- از آنجایی که بسیاری از افراد که در شهر تهران تکدی می‌کنند، مهاجر بوده و اتفاقاً برخی از آنها براساس مشاهدات موردی، در شهر خود جز افراد توانمند محسوب می‌شوند و افراد هوشمندی هستند که با ورود به تهران بجای کار کردن، خود را افراد ناتوان جا می‌زنند، لذا بهتر است بعد از جمع‌آوری و آموزش‌های اولیه این افراد به شهر خود برگرداننده شوند و در صورت لزوم در همان شهر مورد حمایت نهادهای ذی‌ربط قرار بگیرند.

منابع

- [۱] احمدی، حبیب. ۱۳۷۷. نظریه انحرافات اجتماعی، انتشارات رزه، شیراز.
- [۲] ادیمی، ۱۳۸۹. بررسی وضعیت متکدیان شهر تهران و ارائه راهکارهای ساماندهی آنها (گزارش مرحله سوم)، دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- [۳] ادیمی، جمال؛ مهدی ترکمان، سمیرا کلهر و عقیل دغاقله. ۱۳۹۱. کلانشهر تهران و تکدی‌گری، نشر باران، تهران، ۱۷۴.
- [۴] اسماعیلی، علیرضا. ۱۳۹۱. بررسی نقش عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری در شهر گنبدکاووس در سال ۱۳۹۰. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، شماره هشتم، صص ۴۴-۲۳.
- [۵] اکبری، یونس. ۱۳۹۲. مطالعه تغییرات رفتار و نگرش دانشجویان نسبت به مواد مخدر در دوره‌ی دانشجویی و عوامل اجتماعی موثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی.
- [۶] انصاری، اسماعیل. ۱۳۹۰. جرم تکدی‌گری و ضمانت اجراهای رسمی و غیر رسمی در مبارزه با آن. فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی.
- [۷] باقریان، مهدی. ۱۳۷۵. تکدی‌گری آبستن آسیب‌های اجتماعی. مجله پاسدار اسلام، ش ۱۷۱ و ۱۷۲.
- [۸] بیات، بهرام. ۱۳۸۷. فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی، معاونت اجتماعی اداره تبلیغات، تهران.
- [۹] ترنر، جانانتان و بیگلی، ابی. ۱۳۷۰. تئوری انحراف، ترجمه امان‌الله صفوی، مجله رشد علوم اجتماعی، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش، شماره‌های ۷ و ۸ و ۹.

- [۱۰] حاجیان مطلق، محمود. ۱۳۸۱. تأملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران با تأکید بر کارکرد دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی. سمینار همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران. جلد پنجم، نشر آگاه، تهران.
- [۱۱] رابرتسون، یان. ۱۳۷۴. درآمدی بر جامعه، ترجمه حسن بهروان، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- [۱۲] رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین. ۱۳۸۳. رویکردهای نظری هفت گانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت اله صدیق سروستانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۳.
- [۱۳] روزنامه خراسان. ۱۳۹۳. طرح ساماندهی متکدیان در کلان شهرها آغاز شد. شنبه اول آذر ۱۳۹۳، ۲۸ محرم ۱۴۳۶، شماره ۱۸۸۳۹.
- [۱۴] ساروخانی، باقر. ۱۳۷۷. در یوزگان: پژوهشی در شناخت تکدی در شهر تهران، نشر کلمه، تهران.
- [۱۵] سایت خبری تحلیل فرارو. ۱۳۹۳. پاتق گدایان و بی‌خانمان‌های تهران.
- [۱۶] سایت معاونت امور سازمانهای مردم نهاد وزارت کشور. ۱۳۹۳. قابل دسترس در آدرس: (<http://saman.moi.ir/Portal/Home>)
- [۱۷] سلیمی، علی و دلوری، محمد، ۱۳۸۶. جامعه شناسی کجروی، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
- [۱۸] سیاست روز. ۱۳۹۳. پاتوق بی‌خانمان‌های تهرانی کجاست؟، سه شنبه سوم تیرماه، شماره ۳۶۵۴.
- [۱۹] شکوری، علی و حمید معتمدی. ۱۳۹۱. مطالعه علل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر پدیده تکدی‌گری؛ مطالعه موردی در شهر مشهد، فصلنامه مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، سال اول، شماره سوم، صص ۷۰-۳۹.
- [۲۰] صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۶۷. نظریه‌های مربوط به کجروی اجتماعی، نشریه علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال یازدهم، شماره ۱-۲.
- [۲۱] صدیق سروستانی، رحمت اله. ۱۳۸۷. آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات سمت، تهران.
- [۲۲] صفوی، امان الله. ۱۳۷۰. تئوری انحرافات، رشد علوم اجتماعی، ۱۳۷۰.
- [۲۳] محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم: مبانی روان شناسی اجتماعی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
- [۲۴] مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. ۱۳۸۹. فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران: تکدی‌گری و کارتون خوابی.
- [۲۵] مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. ۱۳۹۲. سیاست اجتماعی و تکدی‌گری: ملاحظاتی برای ایران و شهر تهران، دانش شهر.

- [۲۶] منتظر قائم، مهدی. ۱۳۸۶. مجموعه تحلیل‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران، نشر سلمان، تهران.
- [۲۷] مهربانی، وحید. ۱۳۹۱. تکدی‌گری و مبادلات اقتصادی در بازار سنتی تهران. مجله اقتصادی ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۲، صص ۶۴-۵۳.
- [28] Durkheim, Emile, 1964. *The Division of Labor in Society*, New York, Macmillan, 1964.
- [29] Gillin, J.L. Vagrancy and begging. *The American Journal of Sociology*. 1929, 35(3): 424-432.
- [30] Givvons, D. C, 1992. *Society, crime & criminal behavior*, United hall Inc .
- [31] Hagan, John. *Crime and Disrepute (Sociology for a New Century Series) Paperback*, 1994
- [32] Hirschi, Travis, 1969. *Causes of Delinquency*. Berkeley: University of California Press.
- [33] Khan, J and Ahmed, N. Regional analysis of various places of begging. *International Journal of Development Research*, 2013, 3(10): ۱۱۴-۱۱۹.
- [34] Walter B. Miller, 1959. *Delinquency and lower class culture*, Journal of Social Sciences, 1959.